

## نقش مبانی انسان‌شناختی اخوان‌المسلمین در تقریب\*

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۶

\*\* حبیب حاتمی کنکبود

\*\*\* مهدی فرمانیان

### چکیده

با عنایت به اینکه اخوان‌المسلمین به عنوان جنبشی تأثیرگذار و پرطرفدار، در بیش از هفتاد کشور فعالیت فکری، فرهنگی و سیاسی داشته و دارد، شناخت مبانی فکری و از جمله مبانی انسان‌شناختی آنها اهمیت فراوانی دارد. انسان در تفکر اخوان‌المسلمین آفریده خداوند، موجودی دوبعدی مرکب از جسم و روح، دارای توانمندی‌های عظیم و برخوردار از کرامت ذاتی است. از این‌رو متفکران اخوانی به برخورداری انسان‌ها از حقوقی همچون تساوی و برابری، آزادی و احترام متقابل باور دارند. به تبع این باور، پیشگامی در تقریب مذاهب و اجتناب از تکفیر سایر فرق اسلامی از دستاوردهای اخوان‌المسلمین است که پایه‌گذار این جریان، حسن‌البناء، از مؤسسان «دارالتقریب بین‌المذاهب» بود. نوشتار حاضر با بررسی منابع کتابخانه‌ای و گردآوری داده‌های مرتبط با موضوع و تحلیل آنها به روش توصیفی-تحلیلی مبانی انسان‌شناختی این جنبش و نقش آن در دستاورد مسئله «تقریب» را بررسی کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** اخوان‌المسلمین، مبانی انسان‌شناسی، کرامت ذاتی، حقوق انسان، تقریب.

---

\* برگرفته از رساله دوره دکتری با عنوان «مبانی کلامی اخوان‌المسلمین مصر؛ ارزیابی و تحلیل».  
\*\* مدرس حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب.  
\*\*\* دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب و عضو گروه مذاهب اسلامی پژوهشکده ادیان و مذاهب.

## مقدمه

از آنجایی که مبانی هر نحله فکری در عملکرد آن بیشترین نقش را برای تحقق اهداف و غایات آن دارد (عبدالعزیز، ۲۰۰۳: ۱۰) شناخت مبانی فکری جنبش بزرگ جهانی اخوان المسلمین، که گسترده‌ترین جنبش کنونی در جهان عرب محسوب می‌شود، اهمیت فراوان دارد.

از جمله مبانی تأثیرگذار بر مباحث نظری و عملی، مبانی انسان‌شناختی است. برداشت مذهبی که اهتمام خاصی به حیات انسانی، سعادت و شقاوت او دارند، در گرو ارزش‌گذاری آنها درباره انسان از جهت حقیقت انسان، ارزش وی، اهداف و ارتباط وجودی او با عالم است. بسیاری از مکاتب با شکست مواجه‌اند. زیرا بر اساس تصویری مغایر با حقیقت انسان‌اند و تفسیر ناواقع‌بینانه از انسان چیزی جز خسران وی را در بر ندارد (النجار، ۱۴۱۷: ۵-۷). راشد الغنوشی متفکر اخوانی می‌گوید: «تفکر غربی که انسان را دارای قدرتی بی‌نهایت بر معرفت می‌داند و قدرتش را بر سیطره بر طبیعت نیز بی‌پایان معرفی می‌کند، غیر از تفکر اسلامی است که هرچند عقل را از اسباب فعال تسخیر طبیعت می‌داند، اما خود عقل نیز به این اعتبار که جزئی از وجود است، نمی‌تواند بر مبدأ و معاد، غایت هستی، و ... احاطه علمی پیدا کند» (الغنوشی، ۱۹۷۳: ۴۸-۵۸). در اسلام، انسان بین ضعف و قدرت قرار دارد که سید قطب می‌گوید: «تصور اسلام درباره انسان این است که در عین اقرار به ضعف قائل به قوت او است؛ آنچه مهم است این است که قوت بر ضعف غلبه پیدا کند» (سید قطب، بی‌تا: ۱۶ و ۱۷).

این نوشته، پاسخ نحله فکری اخوان المسلمین به پرسش‌های اساسی در باب انسان است و می‌کوشد سیمای کلی انسان را در آینه تفکر ایشان آشکار کند و در نتیجه دستاورد و پیامد نگاه ایشان در مسئله تقرب را بکاود.

## خلقت انسان

مسئله خلق انسان نخستین از مباحث اولیه انسان‌شناسی است که متفکران مسلمان معتقدند انسان از گل آفریده شده (الغزالی الجبیلی، ۱۳۹۰: ۱۵) و قصه آفرینش او معجزه‌وار و از خوارق عادات است (سید قطب، ۲۰۰۴: ۱۵۵). محمد قطب می‌گوید:

خداوند ابتدا آدم را آفرید و تمام بشر از نفس او به وجود آمده‌اند: «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة» (نساء: ۱) و از جنس وی، همسرش را برای او خلق کرد: «خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها» (روم: ۲۱) و سپس از این نفس و زوجش تمام خلق انسانی

نقش‌هایی انسان‌شناختی اخوان المسلمین در تقرب

و گروه‌های مختلف به وجود آمدند: «خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساء» (نساء: ۱) (محمد قطب، ۱۴۲۳: ۳۲ و ۳۳).

با این اوصاف، افراد انسان همگی از یک نفس خلق شده‌اند و هر گونه نژادپرستی زائل می‌شود. چون انسان در طبیعت و اصل نشئتش واحد بوده و تفاوت اجناس و قبایل فقط برای شناخت همدیگر است (سید قطب، ۱۹۹۳: ۲۰).

### حقیقت انسان

حقیقت انسان، خلیفه‌بودن خدا در زمین است «انی جاعل فی الارض خلیفة» که به قول محمد قطب، تعبیر خلیفه‌بودن انسان تعبیر پیچیده‌ای است (محمد قطب، ۱۹۹۳: ۲۹). وی می‌گوید: وقتی بدانیم انسان مخلوق منحصر به فردی است دیگر مثل فلاسفه و اندیشمندان غربی برای او تفسیری حیوانی نخواهیم داشت و اگر توانمندی‌های انسان را در نظر بگیریم در تفسیر او خطا نمی‌کنیم و فقط به یک جنبه او توجه نداریم، چنان‌که «فروید» فقط به بعد جنسی او یا «تجربه‌گرایان» به نشاط جسمانی وی، یا «کمونیسست‌ها» به بعد اقتصادی و مادی انسان توجه دارند. در حالی که انسان وسیع‌تر است و شامل تمام اینها می‌شود. زیرا انسان از بین مخلوقات عالم، منحصر به فرد و موجودی دوبعدی است، در حالی که حیوانات فقط یک جنبه (جسمانی) و فرشتگان نیز یک جنبه (روحانی) دارند ... لذا انسان در تعادل و نشاط جسمانی‌اش به شکل انسان و نه حیوان؛ و در نشاط روحانی‌اش نیز به شکل انسان و نه ملائکه عمل می‌کند (همان: ۴۰-۵۳).

### دوگانگی جسم و روح

اعتقاد به دوبعدی‌بودن وجود انسان، سابقه‌ای طولانی در تاریخ اندیشه بشری دارد. طبق این اعتقاد، انسان در بعد مادی و جسمانی خلاصه نمی‌شود (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۱) بلکه موجودی دوبعدی است: «اذ قال ربک للملائکة انی خالق بشراً من طین فأذا سویته و نفخت فیہ من روحی فقووا له ساجدین» (ص: ۷۱ و ۷۲) که از قبضه‌ای از خاک زمین و نفخه‌ای از روح خداوند آفریده شده است (محمد قطب، ۱۴۱۵: ۱۷۶). سید سابق، از متفکران اخوانی، می‌گوید: «انسان مرکب از جسم و روح است که با جسمش فعالیت و با روحش درک و فکر می‌کند و می‌فهمد و دوست می‌دارد» (سید سابق، ۲۰۰۰: ۱۹۳).

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال نهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶۶ (زستان ۱۳۹۴)

مقتضای این امتزاج روح و جسم این است که انسان ضروریات زندگی حیوانی‌اش را به روش انسانی و شوقیات روحانی‌اش را به طریق انسان و نه فرشتگان انجام می‌دهد (محمد قطب، ۱۴۰۳: ۳۳ و ۳۴) که در تفکر اسلامی توازن و هماهنگی کاملی بین تمام جوانب وجود انسانی برقرار است (همو، ۱۴۱۴: ۱۲۶) و تمام عناصر مادی زمین از آهن و مس و کلسیم و فسفر و اکسیژن و هیدروژن و شهاب و ... و همچنین نفخه‌ای از روح خداوند، که دارای اراده منضبط است و قدرت بر اختیار دارد، در او جمع شده است (همو، ۱۹۹۲: ۶۷ و ۶۸). لذا نباید به جسم به سبب تصفیه روح بی‌اعتنا بود، همان‌گونه که نباید به سبب استفاده و بهره‌برداری جسم، از روح غافل بود (قرضاوی، ۱۹۹۲ ب: ۴۸).

### جایگاه انسان در نظام هستی

قرضاوی، متفکر اخوانی، می‌گوید انسان از دیدگاه ماتریالیست‌ها مشتی خاک و مجموعه‌ای از گوشت و خون و استخوان و رگ و پی و جهازات و غده‌ها و سلول‌ها است؛ عقل و تفکر نیز ماده‌ای است که هیچ امتیازی نسبت به دیگران ندارد، که آن وقت، اگر وزنش در حدود ۷۰ کیلوگرم باشد، از مقداری روغن (به اندازه ۷ قالب صابون)، مقداری کربن (به مقدار ساختن ۷ فشنگ)، مقداری فسفر (برای ساختن ۱۲۰ دانه کبریت)، مقداری نمک منیزیم، مقداری آهن (به اندازه یک میخ متوسط)، مقداری رنگ سفید (برای سفید کردن یک آشیانه مرغ)، مقداری گوگرد و مقداری آب حدود ۱۰ لیتر تشکیل شده، که همه این مواد را می‌توان به مبلغ یک یا یک و نیم دلار خریداری کرد (قرضاوی، بی‌تا: ۱۰۶ و ۱۰۷)؛ حال آنکه انسان در نگاه اسلام، آفریده‌ای ارجمند در نظر آفریدگار بزرگ جهان است که پروردگار متعال او را به بهترین صورت و خلیفه خود در زمین و محور فعالیت هستی قرار داده، و هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، جملگی را مسخر او کرده و خود او را به خودش اختصاص داده است (همان: ۱۰۸).

محمد قطب معتقد است جایگاه انسان در نظام هستی، خلیفه‌الله بودن «واذ قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه» (بقره: ۳۰)، کرامت در نزد خداوند «ولقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر والبحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» (اسراء: ۷۰)؛ خلق و آراستگی به بهترین وجه «و صورکم فاحسن صورکم» (تغابن: ۳)؛ دارای ابراز فهم «و جعل لکم السمع والابصار والافتدة» (ملک: ۲۳) و اعطای جایگاهی ویژه به وی از طرف خداوند «و سخر لکم ما فی السماوات و ما فی الارض جمیعاً منه» (جاثیه: ۱۳) و همچنین قدرت

نقش مبانی انسان‌شناختی اخوان المسلمین در تقرب

بر تغییر داشتن «إن الله لا یغیر ما بقوم حتی ینفروا ما بانفسهم» (رعد: ۱۱) است (محمد قطب، ۱۴۰۳: ۳۱ و ۳۲).

## انسان و کرامت ذاتی

با عنایت به مسئله خلیفه‌بودن انسان، مسئله کرامت ذاتی وی از مسائل مهم انسان‌شناسی و محل توجه متفکران اخوانی است. محمد غزالی می‌گوید: «انسان عزیز خلق شده تا کرامتش حفظ شود و خوار و ذلیل نباشد» (الغزالی، ۲۰۰۵ الف: ۷۲). محمد قطب معتقد است:

انسان در تفکر دین اسلام تکریم شده و آنچه‌آن که دیگران انسان را خطاکار ازلی می‌دانند که نسل به نسل این گناه را حمل می‌کند، نیست؛ «ولقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر والبحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» (اسراء: ۷۰). تکریم انسان از طرف خداوند از این طرق است: دمیدن از روح خود در وی و سجده‌کردن ملائکه بر او و خلیفه‌الاهی شدن (بقره: ۳۰)؛ و تعلیم تمام اسماء (بقره: ۳۱-۳۳) و قدرت بر یادگیری با قلم (علق: ۳-۵) و عقل را به وی داده تا تفکر کند و در امور وحیانی بیندیشد (نحل: ۷۸)؛ و اینکه در بهترین صورت خلقت کرده و رزق طیب به او داده (غافر: ۶۴) و مانند بقیه موجودات به قهر بر عبادت واداشته نشده بلکه به او آزادی و اختیار داده شده است (شمس: ۷-۱۰)؛ و اینکه گناه کسی را حمل بر کس دیگری نمی‌کند (اسراء: ۱۵) و اگر از اشتباهش توبه کند از خطای او درمی‌گذرد (آل عمران: ۱۳۵-۱۳۶) (محمد قطب، ۱۹۹۴: ۳۳-۳۵).

همین کرامت ذاتی انسان است که بر اساس آن اخوان به مبانی «تساوی انسان، همپاری تکامل‌یافته و نظم پایه‌های نظام اجتماعی» قائل‌اند (میشل، ۱۳۸۷: ۸۳). عبدالمجید نجار، اندیشمند اخوانی، می‌گوید: «تکریم انسان عقیده‌ای اسلامی است که قرآن و احادیث به آن اهتمام ویژه دارند» (النجار، ۱۹۹۶: ۵۰). غزالی، کرامت ذاتی انسان را به دمیده‌شدن روح‌الاهی مرتبط کرده و بر اساس آن معتقد است کرامت فردی و اجتماعی انسان از پستی و اهانت متنفر است (غزالی، ۱۹۹۰: ۱۲۹).

## یک نفر مساوی با همه

یوسف قرضاوی معتقد است: «به خاطر کرامت ذاتی انسان است که قرآن تعرض به جان و زندگی یک انسان را تعرض به زندگی و حیات همه بشریت به شمار می‌آورد، و نجات جان یک

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال نهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶۶ (زستان ۱۳۹۴)

انسان را به مثابه نجات جان همه انسان‌ها می‌بیند: «أَنَّه مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَ مَن أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲) «قرضاوی، ۱۳۹۰ الف: ۶۱».

### حقوق انسان

از جمله مباحث انسان‌شناسی، که بر پایه کرامت ذاتی انسان استوار است، مسئله حقوق برابری و آزادی انسان است که متفکران اخوانی به آن پرداخته و از آن دفاع می‌کنند.

### تساوی و برابری

از مهم‌ترین حقوقی که اسلام برای افراد مقرر کرده، مساوات و برابری آنها است. عبدالقادر عوده، اندیشمند اخوانی، می‌گوید:

چنان‌که از رسول‌الله (ص) نقل است «الناس سواسية كأسنان المشط الواحد لا فضل لعربی علی عجمی الا بالتقوی» و این مساوات به صورت مطلق و بدون هیچ قید و استثنایی است. زیرا مردم همگی از یک اصل و از یک زن و مرد خلق شده‌اند؛ لذا اینکه امروزه انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها بر مستعمرات خود یا آمریکایی‌های سفیدپوست بر سیاه‌پوست، یا آلمانی‌ها بر سایر ملیت‌ها اظهار فضیلت می‌کنند، باطل است (عوده، ۱۹۸۱: ۲۶۳-۲۶۵).

وی در کتاب دیگرش از این قاعده مساوات بیشتر دفاع می‌کند و می‌گوید: «اسلام، جامعه اسلامی را بر اساس قاعده مساوات علی‌الاطلاق بین بشر قبول دارد که قید و استثنابردار نیست و قائل به مساوات تام بین افراد، جماعات، نژادهای مختلف و حاکم و محکوم و ... است» (همو، ۱۹۷۷: ۱۰۶ و ۱۰۷). وی نصوص مساوات را با عبارت «مطلق» و بدون هیچ قید و شرطی قائل است و می‌گوید: «نظریه مساوات وقتی نازل شد که حضرت در میان قومی بود که اساس زندگی‌شان بر فخر فروشی و تفاضل به مال و مقام و رنگ و نژاد بود» (همو، بی‌تا: ۲۶).

شیخ شلتوت، از فعالان دارالتقرب، نیز معتقد است: «اسلام به همه انسان‌ها با دید تساوی نگاه می‌کند و مرد و زن، سیاه و سفید، یا گروه اجتماعی خاص مانند رئیس و مرئوس و غنی و فقیر برای او مساوی‌اند» (شلتوت، ۲۰۰۱: ۱۲).

## برابری زن و مرد

به تبع بحث برابری انسان‌ها، سید قطب در دفاع از تساوی زن و مرد می‌گوید:

در همان زمانی که بعضی ادعا می‌کردند که از نسل خدایان‌اند و بعضی ادعا داشتند که خون‌هایی که در رگ‌های آنها جریان دارد، از نوع خون عامه مردم نبوده، و همان موقع که درباره زن نزاع بود که آیا روح بشری دارد یا اصلاً روح ندارد (!) ... اسلام آمد تا وحدت نوع بشری را در پیدایش و سرانجام، زندگی و مرگ، حقوق و وظایف در پیشگاه خدا و قانون و دنیا و آخرت اعلام دارد (سید قطب، ۱۳۷۹: ۶۶).

غزالی الجبیلی، در دفاع از حقوق زن معتقد است اعتقادداشتن برخی افراد به حق رانندگی برای زن کلام انسان است و حرف خدا و پیامبر و دین نیست؛ چراکه آنها قائل به «لا أضحی عمل عامل منکم من ذکر أو أنثی بعضکم من بعض» هستند (آل عمران: ۱۹۵) و ما باید از اسلام تبعیت کنیم و سایر رسوم، اعم از عربی یا غربی را، کنار بگذاریم (غزالی، ۲۰۰۵: ب: ۲۵). وی معتقد است: «بسیاری از نصوص صحیح به صورت عمدی مورد بی‌توجهی قرار گرفته و معانی آنها تحریف شده، و با دور کردن زنان از علم و جامعه به کالایی بلااستفاده تبدیل و زن بودن با خفت و کسر شأن همراه گردیده است» (غزالی، ۱۳۹۰: ۳۲ و ۳۳).

## آزادی

از جمله حقوق انسان‌ها مسئله آزادی است و دفاع از آن به حدی مقدس است، که امروز همان‌هایی که با آزادی مبارزه می‌کنند، برای آنکه عمل خودشان را موجه جلوه دهند، می‌گویند ما از آزادی دفاع می‌کنیم (مطهری، ۱۳۷۷: ب: ۴۵). اخوان المسلمین نیز رسالت خود را آزادی اعلام کرده و حسن‌البنای این شعار را بر پیروان فداکار و وفادار خود تکرار می‌کرد که: «إنکم جیش الخلاص تحملون علی اکتافکم رسالة التحرر»؛ شما ارتشی آزادی‌بخش هستید که بر شانه‌هایتان «رسالت آزادی» را حمل می‌کنید (میشل، ۱۳۸۹: ۷۹/۲). عاکف، از مرشدهای اخوان المسلمین، می‌گوید: «آزادی، فریضه‌ای از فرایض است» (عاکف، ۱۴۲۶). عبدالقادر عوده نیز معتقد است از جمله مبانی تفکر اساسی اسلام، آزادی است (عوده، بی‌تا: ۲۹) که در تمام شئون جاری است. لذا آزادی فکر، اعتقاد، بیان و تملک را اعلام کرده است (همو، ۱۹۸۱: ۲۶۶).

فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه قم: سال نهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶۶ (زستان ۱۳۹۴)

## آزادی اساس پذیرش دین

آزادی دینی یکی از ابتکارات اسلام است که هر گونه اکراه و اجبار را در انتخاب دین مردود شمرده و آزادی را اساس انتخاب و پذیرش ایمان قرار داده است (قرضاوی، ۱۳۹۰ ب: ۸۳)؛ چراکه طبق آیه «لا اکراه فی الدین» اساساً ایمانی که مد نظر اسلام است، تحمیلی نیست. مگر می‌شود کسی را آن طوری که اسلام از او ایمان می‌خواهد، مجبور کرد؟! (مطهری، ۱۳۷۷ الف: ۱۱۰). مصطفی مشهور، از مرشدهای اخوان، معتقد است: «از جمله گفتارهای غلط این است که مقصود از جهاد در اسلام را اکراه مردم برای دخول در دین با شمشیر معرفی کنی که در تناقض با قول خداوند «لا اکراه فی الدین قد تبین الزشد من النعی» (بقره: ۲۵۶) است و واقعیت و تاریخ این ادعای کاذب را نفی می‌کنند» (مشهور، بی تا: ۱۲). سید قطب می‌گوید: «اسلام برای انسان آزادی و اختیار و در عین حال فردیت را قائل است که آنچه از خیر و شر و نیکی و بدی کسب می‌کند، مربوط به خود او است» (سید قطب، ۲۰۰۶: ۶۴).

## آزادی عقیده سایر ادیان

اگر آزادی عقیده، برپاداشتن مراسم مذهبی و احوال شخصی در نظام اسلامی محقق گردد و حفاظت از آزادی جزء اساسی برنامه این نظام شود و مبادی و اصول شریعت اسلامی منبع اصلی برای قانون‌گذاری گردد، آنگاه حکومت اسلامی کاملاً مراعات می‌کند که اقلیت‌های مذهبی به چیزهایی که ارتباط با عقیده آنان دارد، مجبور نشوند. مثلاً اسلام استعمال مشروبات الکلی را بر مسلمانان حرام کرده و مشروب‌خوار مسلمان را هم به شکل خاصی کیفر می‌دهد، ولی اگر در جامعه اسلامی اقلیتی باشد که عقیده مذهبی‌شان اجازه مشروب‌خواری را می‌دهد، اسلام پیروان آن اقلیت مذهبی را به دلیل آن کار کیفر نمی‌دهد (البته با حفظ ظواهر جامعه اسلامی). همچنین، اسلام شراب و خوک را به عنوان مال به رسمیت نمی‌شناسد، به طوری که اگر مشروب الکلی یا خوکی مربوط به فرد مسلمانی باشد و آن را از بین ببرید، ضامن عوض آن نیستید، ولی اگر همین‌ها در ملک کسی باشد که دین وی اجازه خرید و فروش مشروب و خوک را می‌دهد، بی‌شک فرد تجاوزکار، که باعث از بین رفتن آن شده باید غرامت بپردازد. همچنین است موضوع زکات که اسلام پیروان مذاهب دیگر را، اگر خودشان اظهار تمایل نکنند، مکلف به پرداخت آن نمی‌داند، بلکه آنان به جای زکات، مالیاتی می‌پردازند که مفهوم عبادت و فریضه مذهبی اسلامی ندارد تا مجبور به فریضه‌ای اسلامی نشوند (سید قطب، ۱۳۹۱: ۷۰-۷۲).

## آزادی بیان

قرضاوی، از مدافعان آزادی بیان، معتقد است: «یکی از اصول و ارزش‌های اندیشه و معرفت پویا و پیشرفته اسلامی، مجال‌دادن به مخالفان برای اظهار رأی و عقیده است؛ بدین معنا که به مخالفان این حق داده شود تا بتوانند آزادانه دیدگاه‌ها و نظرات خود را اظهار نمایند و تفاوتی بین اینکه نظرات مخالفان در برخی از مسائل، مخالف نظرات ما باشد، یا همه آرا و نظرات ما برایشان غیر قابل قبول باشد، نیست و به هیچ وجه جایز نیست که بر نظرات مخالفان و دگراندیشان - به خاطر اینکه با ما یا اکثریت جامعه یا مسائل موروثی مورد قبول مردم، در تضاد باشد، یا خواهان کنارنهادن مسائل غیرعلمی و قدیم و جایگزینی مسائل و پدیده‌های جدید بشوند - خط بطلان کشیده و از ظهور آنها جلوگیری به عمل آید» (قرضاوی، ۱۳۹۰ الف: ۵۲). لذا اسلام همان‌طور که به آزادی احترام می‌گذارد، افراط، تندروی و ترور را رد و محکوم می‌کند (مشهور، ۱۳۸۸: ۷۶).

## آزادی و محدوده آن

با این همه، اخوان المسلمین با آزادی‌ای که منجر به ظلم یا فساد جامعه شود، مخالفت می‌کنند. مصطفی مشهور، از مرشدهای عام، می‌گوید: «برخی از دشمنان اسلام ادعا می‌کنند که پای‌بندی به آموزه‌های اسلام نوعی جمود و تسلیم‌شدن در برابر بند و قیدها است، در حالی که این ادعای باطلی است. می‌گوییم آزادی‌ای که واجب است برای به دست آوردن آن تمامی انسان‌ها تلاش کنند، همان آزادی‌ای است که سعادت‌مندی را برای همه انسان‌ها به همراه داشته باشد و انسان را از بدبختی‌ها دور کند، اما آزادی‌ای که خیر و نیکی را برای گروهی فراهم می‌کند و گروهی دیگر محروم می‌مانند، نوعی ظلم اجتماعی به شمار می‌آید» (همان: ۷۷).

## تقریب مذاهب

نتیجه طبیعی پذیرش کرامت ذاتی انسان‌ها و مسئله احترام به حقوق دیگران ایجاد روحیه تقریبی است که اخوان المسلمین از ابتدا آن را در دستور کار خود قرار داده‌اند. از اصول مهمی که حسن البناء، مؤسس اخوان المسلمین، به آن اعتقاد داشت، مسئله «اجتناب از جدال‌های مذهبی و فرقه‌ای» است، به طوری که وی و آیت‌الله قمی در تأسیس جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی سهیم بودند (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۰۹). اولین و مهم‌ترین هدف حسن البناء گرد هم آوردن مسلمانان، ایجاد هماهنگی بین آنها و ... بود. در هیچ یک از نوشته‌هایش فرقه‌ای را مردود

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال نهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶۶ (زستان ۱۳۹۴)

ندانست، و فقط با فرقه بهایی مخالفت می‌کرد؛ چراکه آنان را کافر می‌دانست (الحسینی، ۱۳۷۵: ۵۶). او احساس می‌کرد تفرقه جهان اسلام یکی از اسباب انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان خواهد شد (میشل، ۱۳۸۷: ۱۲۴/۲). به همین دلیل، وی عضو فعالی از اعضای جماعت تقریب بین شیعه و سنی بود و برای اجتماع مسلمانان و جلوگیری از اختلاف، بعد از نماز عشاء درب مسجد را بست و گفت نماز تراویح سنت است و اجتماع مسلمانان واجب است (التلمسانی، بی‌تا ب: ۷۳). وی در زمینه تقریب سخن بسیار مهمی دارد. می‌گوید: «ما مسلمانان، چه شیعه و چه سنی، در مسائل مورد اتفاق باید متحد شویم و در موضوعات مورد اختلاف نباید بر یکدیگر خرده بگیریم» (موحدی ساوجی، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۲۰).

حسن البنا، فرزند کسی بود که به دلیل نزدیک کردن مذاهب فقهی اهل سنت هر کدام از فرزندان را به یکی از مذاهب توجه داد؛ حسن را به فقه حنفی و عبدالرحمن را به مذهب مالکی و محمد را به حنبلی و جمال را به مذهب شافعی (عمار، ۱۴۲۷: ۴). او در مراسم حج سال ۱۹۴۸ با آیت‌الله کاشانی دیدار کرد و میان آنها تفاهم برقرار شد (خامه‌یار، ۱۹۹۷: ۲۱۹). این ملاقات مقدمه‌ای برای همکاری‌های سیاسی در سطح جهان اسلام بود. برخی‌ها معتقدند اگر این وحدت محقق می‌شد، جهان اسلام امروز در اختیار غرب نبود، ... چراکه در دوران ملی‌شدن صنعت نفت نیز از طرف اخوان المسلمین، سعید رمضان، داماد حسن البنا، به ایران آمد ... نامه‌ای خطاب به آیت‌الله کاشانی نوشته که در مجله *المسلمون* منتشر شده و نشان می‌دهد قیادت و رهبری ایشان را می‌پذیرند و آرزوی موفقیت این حرکت را در کل جهان اسلام می‌کنند (خسروشاهی، ۱۳۸۱: ۳۳۰ و ۳۳۱). در نتیجه این دیدار برخی از دانشجویان شیعه، که در مصر تحصیل می‌کردند، به جنبش اخوان المسلمین پیوستند (شقاقی، ۱۳۷۵: ۱۶۸) و در نهایت به دیدار شهید نواب صفوی در سال ۱۹۵۴ از مصر منجر گردید و این جای شگفتی ندارد. زیرا خط مشی هر دو گروه، به این همکاری می‌انجامد (الوردانی، ۱۳۸۲: ۱۵۲). بسیاری از مواضع یوسف قرضاوی درباره شیعه و وحدت بین شیعه و سنی نیز همان موضع‌گیری اسلاف و جماعتش اخوان المسلمین است که بحث تقریب مذاهب را دنبال می‌کنند (الخراشی، ۱۹۹۹: ۲۲۵). قرضاوی می‌گوید: «من می‌دانم که دشمنان این امت می‌خواهند جنگ دینی و اختلافات مذهبی را بین مسلمین برانگیزند و به جنگ عرب و فارس در عراق اکتفا نکردند و امروزه جنگ بین شیعه و سنی را مطرح کرده‌اند و بر عقلا و حکمای امت لازم است عاقل و زیرک باشند که مشکل جدیدی خلق نکنند» (قرضاوی، ۲۰۰۰: ۲۰۶).<sup>۱</sup>

## تقرب اخوان ادامه حرکت سید جمال

تفکر اخوان در بحث تقرب ادامه‌دهنده حرکت سید جمال‌الدین است که دعوت به وحدت مسلمانان و پرهیز از تفرقه بود که گاه از درد فریاد می‌کشید: «انگار مسلمانان با هم توافق کرده‌اند که توافق نکنند» (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۱۲). حسن‌البنّا می‌گوید: «از ویژگی‌های دعوت اخوان دوری از مباحث اختلاف‌برانگیز است، زیرا اخوان معتقدند که اختلاف در فرعیات امری ضروری و لابد منه است» (البنّا، بی‌تا: ۱۷). او معتقد است اسلام حدود جغرافیایی را به رسمیت نمی‌شناسد و مسلمانان را امتی واحد می‌داند که هر اندازه هم از نظر مکانی از هم دور باشند، وطن آنها اسلام است (همان: ۴۸)؛ و اخوان معتقدند هر وجب زمینی که در آن مسلمانی «لا إله إلا الله محمد رسول الله» بگوید آن سرزمین اسلامی است (قرضاوی، ۱۹۹۲ الف: ۶۵). البنّا می‌گفت اسلام، عقیده، عبادت، وطن و شناسنامه است و همه مسلمانان مشمول امت اسلامی می‌شوند و امت اسلامی هم امتی واحد است (رمضان، ۱۹۹۳: ۲۸).

غزالی معتقد است تا زمانی که بر هم می‌تازیم، و بر سر اموری که در رشد و سعادت دنیا و آخرت ما هیچ نقشی ندارند، قیل و قال راه می‌اندازیم اتحاد محقق نمی‌شود ... آتش به خانه همسایه افتاده و ما در جدال بر سر لباس کوتاه و حمل عصا و میزان بلندی ریش و تحت‌الحنک عمامه و رسیدن ثواب سوره فاتحه به اموات و تلقین به مرده و ... هستیم و آنگاه که در غفلت ما، الحاد بر همه جا سایه انداخت و بر اسلام چیره شد، دیگر نه سری می‌ماند که بر آن عمامه ببندند و نه کسی که بر مرده‌ای تلقین بخواند و فاتحه‌ای بفرستد! به خود بیاییم ... (غزالی، ۱۳۹۰: ۹ و ۱۰). حسن‌البنّا می‌خواهد بین امت واحد و امکان اختلاف بر سر فروع جمع کند. وی می‌گوید: «اسلام وحدت امت را مطلقاً واجب کرده است و آن را بخش اساسی از حیات جامعه اسلامی دانسته که تساهل در آن در هیچ حالی روا نیست. زیرا اسلام وحدت را قرین ایمان می‌داند، چنان‌که اختلاف و تفرقه را قرین کفر می‌خواند» (مرادی، ۱۳۸۱: ۷۸). با همین تفکر تقریبی بود که اندیشه‌ها و دیدگاه‌های وحدت‌گرا، سرانجام به بار نشست و «دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه» به همت علمای بزرگی چون شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، شیخ محمدتقی قمی و شهید حسن‌البنّا، مرشد اخوان‌المسلمین، در قاهره تأسیس شد (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۱۴).

عمر تلمسانی معتقد بود اسلام با هر گونه اختلافات مذهبی مخالف است و هدف اصلی آن اتحاد بین مسلمانان برای دستیابی به اهداف بزرگ‌تری است (خسروشاهی، ۱۳۶۵). لذا «اتحاد

فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه قم: سال نهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶۶ (زستان ۱۳۹۴)

و فقدان تفرقه» اصلی است که حسن البنا در مراحل مختلف تبلیغی از آن الهام می‌گرفت و تحت عناوینی نظیر وحدت مسلمانان، برادری و اخوت اسلامی از آن دفاع می‌کرد (موثقی، ۱۳۷۱: ۱۱۳/۲).

استاد عمر التلمسانی، مرشد کل اخوان، معتقد است «دلسوزی حسن البنا برای اتحاد مسلمانان تا آن حد بود که وی قصد برگزاری کنفرانسی را داشت که رهبران همه مذاهب اسلامی را گرد هم آورد، شاید از این رهگذر خداوند آنان را به راهی هدایت کند که مانع از اتهام یکدیگر به کفر شود، به‌ویژه آنکه قرآن ما، دین ما، پیامبر ما (ص) و خدای همه ما یکی است. وی بدین منظور از شیخ محمد قمی، یکی از بزرگان علما و رهبران تشیع، به مدتی نه‌چندان کوتاه، پذیرایی کرد و چنان که معروف است امام البنا با آیت‌الله کاشانی نیز به هنگام حج، ۱۹۴۸، دیدار کرد» (التلمسانی، بی تا الف: ۷۸). ایشان در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: «روزی از استاد حسن البنا درباره میزان اختلاف میان اهل تسنن و تشیع پرسیدیم. وی ما را از ورود به چنین مسائل پیچیده‌ای نهی کرد. زیرا سزاوار نمی‌دانست که مسلمانان خود را با این مباحث سرگرم کنند، در حالی که آنها خود در حالت جدایی هستند! ... او می‌گفت بدانید که اهل تسنن و تشیع جملگی مسلمان‌اند و کلمه «لا اله الا الله و محمد رسول الله» آنان را گرد هم می‌آورد» (همو، ۱۹۸۵: ۲۴۹ و ۲۵۰).

### فتوای شیخ شلتوت و تقریب

شیخ محمد غزالی، اندیشمند اخوانی، در توضیح فتوای شلتوت، درباره جواز تقلید از مذهب شیعه در مسائل فقهی مانند مذاهب اربعه می‌نویسد:

یکی از عوام نزد من آمد و با حالتی برافروخته گفت: «چگونه شیخ الازهر فتوایی صادر کرده که شیعه را مذهبی اسلامی مانند سایر مذاهب شناخته است؟!». به وی گفتم: «برادر! من آنان را می‌شناسم و دیده‌ام که نماز می‌گزارند، روزه می‌گیرند». وی با شگفتی گفت: «چطور ممکن است؟». به وی گفتم: «بلی! آنان مانند ما قرآن را می‌خوانند و پیامبر را بزرگ می‌دارند و به حج بیت‌الله الحرام می‌روند...». گفت: «به من گفته‌اند که آنان قرآن دیگری دارند و...». با نگاهی از سر دلسوزی به وی گفتم: «شما معذورید. بعضی از ما شایعاتی درباره بعضی دیگر رواج می‌دهد تا شخصیت او را تخریب کند و از جایگاه او بکاهد؛ یعنی ما هم درست همان کاری را می‌کنیم که روس‌ها با آمریکایی‌ها و آمریکایی‌ها با روس‌ها؛ گویی ما ملت‌هایی دشمن

نقش‌هایی انسان‌شناختی اخوان المسلمین در تقرب

یکدیگریم نه امتی واحده». سپس می‌گوید: «بر ما پرچمداران اسلام است که اوضاع را تصحیح کنیم و توهمات را از بین ببریم و گمان می‌کنیم فتوای استاد شیخ محمود شلتوت گامی بزرگ در این راه است ... به نظر من این فتوا آغاز راه و شروع کار است» (الغزالی، بی‌تا ب: ۲۵۶ و ۲۵۷).

غزالی می‌گوید: «سرانجام شکاف میان شیعه و سنی را به اصول اعتقادی ربط دادند! تا دین یکپارچه، دوپاره شود، تا آنجا که هر یک در کمین دیگری نشسته است، تا او را از پای درآورد» (همان: ۱۴۲ و ۱۴۳).

مصطفی مشهور، از مرشدهای اخوان، معتقد است: «دستیابی به اتحاد و ایجاد وحدت کلمه بین مسلمانان از مهم‌ترین مسائلی است که بر مسئولان و فعالان حرکت اسلامی واجب است برای دستیابی به آن و محقق‌شدنش تلاش کنند و بدون آن، دستیابی به هدف بزرگ اسلامی، برپایی حکومت جهانی اسلامی، غیرممکن است (مشهور، ۱۳۸۸: ۷۹). با موضع‌گیری اخوان درباره تقرب می‌توان به تفکر ایشان راجع به تکفیر پی برد، که مواضع کلی متفکران اخوانی در زمینه تکفیر عبارت‌اند از:

### ۱. تکفیر نکردن اهل قبله

حسن الهضیبی، از مرشدهای عام اخوان، با نوشتن کتاب *دعاة لا قضاة* به صراحت تکفیر نکردن کسانی را که شهادتین را به زبان آورده‌اند مطرح می‌کند و ایشان را محکوم به اسلام می‌داند (سید قطب، ۲۰۱۱: ۳۰). هضیبی معتقد بود «دین اسلام دین رحمت است نه ترور و خشونت» (نقوی، ۱۴۰۱: ۱۸۸).

زینب الغزالی، متفکر اخوانی، در کتاب *روزهای خاطره* می‌گوید: «ما اهل قبله، آنهایی را که «لا اله الا الله، محمد رسول الله» می‌گویند و سپس به آنچه رسول خدا (ص) از طرف پروردگارش آورده، ملتزم می‌شوند تکفیر نمی‌کنیم» (الغزالی الجبیلی، ۱۳۷۹: ۲۸۱ و ۲۸۲). سپس می‌افزاید: «این گواهی اعتقادی، ویزای ورود به اسلام است که با اعتقاد به این کلمه مسلمانان گرد محوری جمع و بر بیعت با رسول خدا هجوم آوردند و تسلیم محض خدا گردیدند، با چنین اقراری و با شهادت‌دادن به «لا اله الا الله» اسلام انسان مسلمان آشکار می‌گردید» (همو، ۱۳۹۰: ۶۸). مصطفی مشهور می‌گوید:

فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه قم: سال نهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶۶ (زستان ۱۳۹۴)

فکر تکفیری که در دهه شصت در زندان مصر در میان بعضی از افراد پدیدار شد، که جماعت و دبیر کل آن در مقابل این ایده و از بین بردن آن قاطعانه ایستادند، از انحرافات فکری‌ای بود که گذشت زمان خطاب‌بودن آن را به اثبات رسانده است. در نتیجه افراد فراوانی از آن تفکر بازگشتند و به حرکت پیوستند. اما وقتی بعضی از آنان بر ایده و خواسته خود پافشاری کردند و اصرار ورزیدند به آنها گفته شد که این‌گونه افکار، ایده جماعت اخوان نیست و کسی که بر آن پافشاری می‌کند، لازم است به دنبال پیوستن به جماعت دیگری باشد (مشهور، ۱۳۸۸: ۱۹).

قرضاوی در نقد تکفیر می‌گوید:

غلو و افراطی که به جوانان غیور بر دینشان رسیده، که قائل به تکفیر مخالفان مسلمان هستند و خون و اموال آنها را مباح می‌دانند، همان چیزی بود که به خوارج رسید که حتی خون امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب را که قرابت با پیامبر داشته و سابقه اسلامی‌اش نیز مشخص بود و جهاد در راه خدا و اسلام هم داشت، مباح دانستند (قرضاوی، ۱۹۹۰: ۱۱).

با اینکه سید قطب، به سبب نوشته‌ها و موضع‌گیری‌هایش، به افراط در تکفیر متهم می‌شود، اما وی نیز با عبارات واضحی تصریح می‌کند که هر کس شهادتین را بگوید، مسلمان است و در تفسیر آیه ۹۴ سوره نساء می‌گوید: «خداوند مسلمانان را امر کرده که وقتی برای غزوه‌ای می‌روند شروع کننده جنگ با کسی نباشند و به‌ظاهر اسلام در کلمه زبانی اکتفا کنند. زیرا هیچ دلیلی که نقض کننده کلمه لسانی باشد، وجود ندارد» (سید قطب، ۲۰۱۱: ۲۵).

## ۲. خاکستری دیدن اجتماعات اسلامی

محمود عبدالحلیم، از متفکران اخوان، با نگاه خاصی به انسان معتقد است: «تقسیم انسان‌ها به دو صنف سیاه و سفید کاری آسان، اما دیدن آنها مابین سیاه و سفید (خاکستری) امر بسیار سختی است؛ که اخوان چنین تفکری دارد. لذا ما معتقدیم اخوان المسلمین، تنها اجتماع اسلامی نیست، بلکه صدها اجتماع اسلامی دیگر با درجات متفاوت وجود دارد که برای جامعه اسلامی مفید است که با همه این اجتماعات اسلامی با محبت و عطوفت و مهربانی رفتار کنند (عبدالحلیم، ۱۹۹۴: صفحه مقدمه).

## نتیجه

جنبش اخوان المسلمین، از جریان‌های سلفی معتدل و دارای آرا و اندیشه‌های خاصی است که هرچند خود را سلفی معرفی می‌کند مبانی فکری ایشان از جهاتی شبیه و در جهات مختلفی متفاوت از سایر نحله‌های سلفیه (خصوصاً سلفیه عربستان) بوده و همین باعث جدایی ایشان از آنها شده است. به همین دلیل، فعالیت‌ها و رویکردهای آنان نقش تأثیرگذاری در موفقیت یا شکست تلاش‌های تقریبی دارد.

تقریبی بودن و دوری از تکفیر، که در فضای غالب فکر اخوان حاکم است، با مبانی انسان‌شناسی آنها ارتباط تنگاتنگ دارد. ایشان، انسان را آفریده خداوند، موجودی دوبعدی، مرکب از قبضه‌ای خاک و نفخه‌ای از روح خداوند می‌دانند و معتقدند هرچند انسان مخلوق ضعیفی است که گاهی شهبوات بر او غلبه می‌کند، اما خداوند موقعیتی را به وی بخشیده که بتواند قدرت شناخت جوانب لازم در خلافت بر نوامیس عالم هستی و توانایی آن را داشته باشد.

از مسائل محل توجه متفکران اخوانی مسئله کرامت ذاتی انسان است. انسان در تفکر ایشان با کرامت و عزیز آفریده شده که نتیجه آن برخورداری انسان‌ها از حقوقی همچون تساوی و برابری، آزادی، حس نوع‌دوستی و احترام متقابل است. به همین دلیل، اخوان از پیش‌گامان تقریب مذاهب و اجتناب از تکفیر سایر فرق اسلامی هستند و در زمینه مسائلی مانند بدعت، زیارت، تکفیر و تقریب مواضعی اعتدالی داشته و تقریب را در دستور کار خود قرار داده‌اند، به طوری که می‌توان ادعا کرد موضع شهید حسن البنا «مؤسس اخوان المسلمین» به طور خلاصه چنین بوده است که، سنی یا شیعه، باید یکدیگر را برادر مسلمان خود بدانند و تفاهم و وحدت بین آنان و رفع اختلافات، کاملاً مقدور و ممکن است و این وظیفه حرکت‌های اسلامی بیدار و آگاه معاصر است که در تحقق آن بکوشند، چنان‌که حسن البنا خود در این زمینه به کوشش وسیعی دست زد.

## منابع

- قرآن کریم.
- البنا، حسن (بی‌تا). رساله مؤتمر خامس، بیروت: مطابع عویدات.
- التلمسانی، عمر (۱۹۸۵). ذکریات لا مذکرات، قاهره: دار الاعتصام.
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا الف). الملهم الموهوب حسن البنا، قاهره: بی‌نا.
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا ب). لماذا قتلوا «حسن البنا»، الجزائر: مؤسسة دار الخلدونية.

فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم: سال نهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶۶ (زمن ۱۳۹۴)

- الحسيني، اسحاق (۱۳۷۵). *اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی مصر*، ترجمه: سید هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- خامه‌یار، عباس (۱۹۹۷). *ایران و اخوان المسلمین: دراسة فی عوامل الالتقاء والافتراق*، بیروت: مرکز الدراسات الاستراتيجية والبحوث والتوثيق، الطبعة الأولى.
- الخراشي، سليمان بن صالح (۱۹۹۹). *القراضوی فی المیزان*، ریاض: دار الجواب للنشر والتوزيع، الطبعة الأولى.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۶۵). «مسائل ایران و انقلاب مصر از دیدگاه مرشد عام اخوان المسلمین»، در: *هفته‌نامه بعثت*، ش ۱۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). «اخوان المسلمین و جنبش اسلامی ایران»، مصاحبه‌کننده: محمد باوی، در: *فصل‌نامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم*، ش ۱۸، ص ۳۲۹-۳۴۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). *حرکت‌های اسلامی معاصر استراتژی نظام و مسئله شیعه و سنی*، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
- ذوالفقاری، سید محمد (۱۳۸۹). «جریان اخوان المسلمین در خاورمیانه»، در: *پژوهش‌های منطقه‌ای*، ش ۳، ص ۱۰۵-۱۲۹.
- رمضان، عبدالعظیم (۱۹۹۳). *الاخوان المسلمون والتنظیم السری*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، الطبعة الثانية.
- میشل، ریچارد (۱۳۸۷). *تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز*، ترجمه: سید هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ج ۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز*؛ ترجمه: سید هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ج ۲.
- سید سابق، محمد (۲۰۰۰). *العقائد الاسلامیة*، قاهره: دار الفتح للإعلام العربی، الطبعة العاشرة.
- شقاقی، فتحی (۱۳۷۵). *جهاد اسلامی*، ترجمه: سید هادی خسروشاهی، تهران: اطلاعات.
- شلتوت، محمود (۲۰۰۱). *الاسلام عقیده و شریعة*، قاهره: دار الشروق، الطبعة الثامنة عشر.
- عاکف، محمد مهدی (۱۴۲۶). *الإخوان فی برلمان ۲۰۰۰*، قاهره: مرکز الأمة للدراسات والتنمية، المركز الدولي للإعلام.
- عبد العزيز، جمعه امین (۲۰۰۳). *الاخوان والمجتمع المصري*، قاهره: دار التوزيع والنشر الإسلامية، الطبعة الأولى.
- عبدالحلیم، محمود (۱۹۹۴). *الاخوان المسلمین أحداث صنعت التاريخ روية من الداخل*، اسکندریه: دار الدعوة للطبع والنشر والتوزيع، الطبعة الثالثة.
- عماره، محمد (۱۴۲۷). *معالم المشروع الحضاری فی فکر الامام الشهيد حسن البنا*، قاهره: دار التوزيع والنشر الإسلامية، الطبعة الأولى.
- عوده، عبد القادر (۱۹۷۷). *الاسلام و اوضاعنا القانونیة*، قاهره: المختار الاسلامی لطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الخامسة.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۸۱). *اسلام و اوضاعنا السیاسیة*، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى.
- \_\_\_\_\_ (بی تا). *التشريع الجنائی الإسلامی مقارناً بالقانون الوضعی*، بیروت: دار الكتاب العربی،

نقش مبانی انسان‌شناختی اخوان المسلمین در تقرب

ج ۱.

- الغزالی الجبیلی، زینب (۱۳۷۹). *ایام من حیاتی (روزهای خاطره)*، ترجمه و نگارش: سید ضیاء مرتضوی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *احیای اندیشه دینی*، ترجمه: رقیه نعمتی، عبدالله پاسالاری، تهران: احسان، چاپ اول.
- غزالی، محمد (۱۳۹۰). *چرا ما عقب افتاده‌ایم؟*، ترجمه: مولود مصطفایی، تهران: نشر احسان، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۲۰۰۵ الف). *الاسلام والاستبداد السياسي*، مصر: نهضة للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة السادسة.
- \_\_\_\_\_ (۲۰۰۵ ب). *سّر تأخر العرب والمسلمین*، قاهره: نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة السابعة.
- \_\_\_\_\_ (بی تا الف). *دفاع عن العقيدة والشريعة ضد مطاعن المستشرقین*، قاهره: بی جا.
- \_\_\_\_\_ (بی تا ب). *كيف نفهم الاسلام*، قاهره: بی جا.
- الغنوشی، راشد (۱۹۸۴). *حركات الاتجاه الاسلامی بتونس*، پاریس، *مجلة المعرفة*، ش ۲.
- قرضاوی، یوسف (۱۳۹۰ الف). *سنت سرچشمه دانش و تمدن*، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، تهران: نشر احسان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ ب). *فقه سیاسی*، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، تهران: نشر احسان، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۹۰). *ظاهرة الغلو في التكفير*، قاهره: مكتبة الوهبة، الطبعة الثالثة.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۹۲ الف). *التربية الاسلامية و مدرسة حسن البنا*، قاهره: مكتبة وهبة، الطبعة الثالثة.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۹۲ ب). *جيل النصر المنشود*، قاهره: مكتبة الوهبة، الطبعة الاولى.
- \_\_\_\_\_ (۲۰۰۰). *امتنا بين قرنين*، قاهره: دار الشروق، الطبعة الاولى.
- \_\_\_\_\_ (بی تا). *نقش ایمان در زندگی (الایمان والحیة)*، ترجمه و نگارش: فرزانه غفاری و محسن ناصری، بی جا: بی تا.
- قطب، سید (۱۳۷۹). *عدالت اجتماعی در اسلام*، ترجمه: سید هادی خسروشاهی و محمدعلی گرامی، تهران: کلبه شروق، چاپ بیست و پنجم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *ما چه می‌گوییم*، ترجمه و توضیحات: سید هادی خسروشاهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و سوم.
- \_\_\_\_\_ (۲۰۰۴). *التصوير الفنى فى القرآن*، قاهره: دار الشروق، الطبعة السابعة عشر.
- \_\_\_\_\_ (۲۰۰۶). *دراسات اسلامية*، قاهره: دار الشروق، الطبعة الحادى عشر.
- \_\_\_\_\_ (۲۰۱۱). *الحياة فى ظلال القرآن*، اخراج الفنى: ابوبکر القاضی، مصر: مركز الاعلام العربی، الطبعة الرابعة.
- \_\_\_\_\_ (بی تا). *فى التاريخ: فکره و منهج*، قاهره: دار الشروق.
- قطب، محمد (۱۴۰۳). *منهج الفن الاسلامی*، قاهره: دار الشروق، الطبعة السادسة.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴). *منهج التربية الاسلامية*، قاهره: دار الشروق، الطبعة الرابعة عشر، ج ۱.

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال نهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶۶ (زمن ۱۳۹۴)

- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵). مفاهیم ینبغی آن تصحیح، قاهره: دار الشروق، الطبعة الثامنة.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۳). هل نحن مسلمون، قاهره: دار الشروق، الطبعة السادسة.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۹۲). معركة التقاليد، قاهره: دار الشروق، الطبعة السادسة عشر.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۹۳). دراسات فی نفس الانسانية، قاهره: دار الشروق، الطبعة العاشرة.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۹۴). العلمانيون والاسلام، قاهره: دار الشروق، الطبعة الاولى.
- مرادی، مجید (۱۳۸۱). «نظریه دولت در اندیشه حسن البنا»، در: علوم سیاسی، ش ۱۹، ص ۸۳-۱۰۲.
- مشهور، مصطفی (۱۳۸۸). مسائل بنیادین دعوت، ترجمه: محمد جبروتی، تهران: نشر احسان، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (بی تا). الجهاد هو السبیل، بی جا: بی نا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ الف). پیرامون جمهوری اسلامی، تهران: انتشارات صدرا، چاپ یازدهم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷ ب). جهاد، تهران: انتشارات صدرا، چاپ دهم.
- موثقی، سید احمد (۱۳۷۱). استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ج ۲.
- موحدی ساوجی، محمدحسین (۱۳۸۴). «اخوان المسلمین؛ سیاست، جهان بینی، اهداف و اصول»، در: دوفصل نامه مطالعات آفریقا، ش ۱۲، ص ۱۱۳-۱۸۰.
- النجار، عبد المجید (۱۴۱۷). مبدأ الانسان، المملكة المغربية: مركز الدراسات والاعلام دار الشیلیا، دار الزيتونة للنشر الرباط، الطبعة الاولى.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۹۶). قيمة الانسان، تونس: دار الزيتونیه، الطبعة الاولى.
- نقوی، علی محمد (۱۴۰۱). مقدمه ای بر نهضت شناسی؛ از حسن البناء تا خالد اسلامبولی، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
- واعظی، احمد (۱۳۸۵). انسان از دیدگاه اسلام، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سمت.
- الوردانی، صالح (۱۳۸۲). شیعہ در مصر از آغاز تا عصر امام خمینی، ترجمه: عبدالحسین بینش، بی جا: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.

#### پی نوشت:

۱. متأسفانه وی عملاً از مواضع خود برگشته است. کاش به کتب سابقش درباره تقریب نگاهی بیندازد.